



اول فقه، بعد اقتصاد

پدیدآورنده (ها) : اسماعیل تبار، احمد

حقوق :: نشریه شهر قانون :: بهار ۱۳۹۴ - شماره ۱۳

صفحات : از ۱ تا ۱

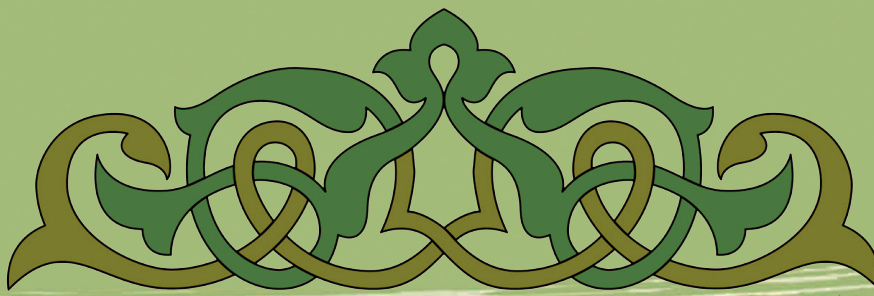
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1383102>

تاریخ داندود : ۱۴۰۴/۰۷/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- حوزه فقه عبادت: جایگاه خمس در اقتصاد اسلامی
- اقتصاد: أسعار النفط؛ قبل و بعد الأوبیک
- بخش اول یکسان سازی ارزش ریال ایران و آثار آن بر اقتصاد کشور: چشم انداز اقتصاد کلان در سال ۱۳۸۱ تحلیلی بر سیاست تک نرخی ارز
- پاسخ سازمان برنامه و بودجه و توضیح پژوهشگرما: برنامه اول؛ مدل اقتصاد سنجی و نگاهی دوباره
- اقتصاد ایران: ارزیابی عملکرد سیاست های اشتغال زایی در دو دهه اخیر با تأکید بر برنامه های اول و دوم توسعه
- آقایان! اول اخلاق، بعد هنر (خاطرات مرحوم خالقی، محمد اسماعیلی، هوشنگ ظریف، استاد دهلوی، فرامرز پایور، همایونپور و استاد معروفی از حسین تهرانی)
- مقدمه ای بر اقتصاد شهری ایران (قسمت اول)
- نمایه دوسالانه فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین از سال اول شماره اول تابستان ۱۳۸۴ تا سال دوم شماره هشتم بهار ۱۳۸۶
- ملاحظات در باب اقتصاد و اجتماع ولایت قاینات در نیمه اول حکومت قاجاریه (۱۲۱۰-۱۲۶۴ ق)
- فقه و تشریع و اقتصاد



اول فقه، بعد اقتصاد

قیمت، نشان میزان رغبت مردم به یک مال است؛ بنابراین تمول را در اصطلاح مال انگاری تعریف می‌شود. از آنجایی که مال انگاری یک اعتبار و رسیدن به مفهوم اعتباری است در عرف‌ها و ملل مختلف جهان اعتبارهای متفاوتی می‌شود به‌طور مثال ملتی خوک و خمر را مال اعتبار می‌کند ولی دین اسلام بین مسلمین، خوک و خمر را مال نمی‌شناسد و تعبیر «سُخْت» را درباره آن به کار می‌برد که نه تنها آن را مال معرفی نمی‌کند بلکه تعامل با آن را موجب آتش جهنم و عذاب می‌داند؛ چنانچه در بسیاری از کشورها پیکر فروشی زنان، مال است و براساس آن شرکت‌ها درست می‌شود و مالیات‌ها گرفته می‌شود اما در فقه اسلام پیکر فروشی زنان، مال نیست بلکه ممنوع و عمل به آن حرام است. نتیجه اینکه مال انگاری و اعتبار مفهوم مال بر یک مفهوم واقعی یا اعتباری یا عقلی اساس و بنیان نظام اقتصادی و نظام حقوقی را می‌سازد چنانچه یک نشان یا برند ارزش مالی در یک نظام حقوقی و اقتصادی نداشته باشد هر شخص می‌تواند از برند و نشان تجاری دیگری به نفع خود استفاده کند اما وقتی اموال در تصور مفاهیم واقعی و اعتباری و عقلی تعریف و تشخیص داده شوند و براساس اسباب تولی یا تملک به ولایت یا ملکیت شخص در آیند، آنگاه هیچ شخص دیگری نمی‌تواند بدون ادله قانونی در آن اموال دیگری تصرف کند یا آن‌ها را به تملک خود درآورد.

۳- تولی

بعد از آنکه در یک نظام حقوقی اشیاء و مفاهیمی به‌عنوان اموال اعتبار شدند آنگاه براساس اسباب تولی در همان نظام فقهی - حقوقی، اموال به ولایت اشخاص در خواهند آمد و شخص به‌عنوان ولی مسلط بر آن اموال خواهد شد و حق تصرف مشروع پیدا می‌کند. مهم‌ترین سبب ولایت بر اشخاص و اموال، اولویت خداوند است که بنا به درک عقل عملی در گزاره مستقل، خداوند ولی بر همه اشخاص و اموال و اشیاء است و چنین حقی ناشی از درک عقل عملی مبتنی بر گزاره‌های استی عقل نظری است که هیچ موجود و قدرتی برتر و بالاتر از خداوند متعال نیست اما بعد از ولایت الهی حسب جعل و اعتبار الهی، ولایت نبوی اعتبار می‌شود و شخص نبی ولی بر همه اشیاء و اموال در جهان هستی است که از مواردی می‌توان به انفال اشاره کرد. بعد از نبی در عصر نبوت ولایت الهی برای امام معصوم (ع) به‌عنوان وصی پیامبر (ص) و ولی الهی اعتبار می‌شود بنابراین نبوت و امامت سبب اعتباری ولایت پیامبر (ص) و امام (ع) هستند و اکنون در عصر غیبت که پیامبر و امام حضور ندارند حسب فقه اسلام ولایت برای فقیه جامع‌الشرایط وضع شده است و این ولایت بر هیچ شخص یا صاحب حرفه دیگر وضع و اعتبار نمی‌شود، همان‌طوری که در فقه ولایت جد، پدر، شوهر، حاکم، وضع شده است؛ بنابراین اسباب تولی همانند اسباب تملک از دانش فقه و حقوق است. ولایت به معنای تسلط اعتباری بر اموال جهت تصرف حقوقی است که اثر آن تصرف مشروع و قانونی ولی بر اموال است. از دیدگاه فقه اسلام رابطه شخص با مال به همین دو معنای تولی و تملک برمی‌گردد چنانچه مطابق فقه اسلام و نظم علوی اشخاص، اموال، ولایت‌ها بر انفال و اوقاف و مالکیت‌ها بر املاک تعریف و مشخص شود دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند در نظام اقتصادی اسلام تخلف کند و از مجازات آن رهایی یابد یا اینکه بدون سبب مشروع و قانونی مالک اموال فراوان شود. پس شخص ولی مجاز به تصرف در اموال است گرچه مالک آنها نباشد و این رابطه باید در نظام حقوقی و اقتصادی تعریف و تعیین شود تا قدرت بر تصرف و مسئولیت ناشی از آن مشخص باشد.

۴- تملک

بعد از تشخیص اشخاص و تعریف اموال و تعیین رابطه ولایت براساس اسباب تولی به رابطه ملکیت براساس اسباب تملک می‌رسیم. اسباب تملک، سبب‌های اعتباری هستند که در هر نظام حقوقی تعریف می‌شوند. براساس وقوع اسباب بین شخص و مال، رابطه تملک برقرار می‌شود. تملک به معنای دارا شدن است که در مفهوم اعتباری شخص واجد آن می‌شود و انگار به کیسه دارایی او اضافه شده است و اثر تملک در فقه، وراثت است؛ همان‌طوری که اثر تولی، ولایت و سلطنت است. ملکیت برای مالک شدن وارث بعد از فوت مورث موثر است و ولایت برای تسلط بر تصرف مشروع موثر است.

همواره این پرسش در جامعه اسلامی مطرح است که علم فقه چه رابطه‌ای با علم اقتصاد و چه تأثیری در آن دارد و دانستن علم فقه تا چه اندازه‌ای در انطباق خروجی علم اقتصاد با معارف اسلام ناب دخالت دارد؟ و کدام بخش علم اقتصاد برای اسلامی کردن روابط مالی و اقتصادی قابل تغییر و تحول است؟ و چه بخش‌های دیگری از علم اقتصاد هیچ ارتباطی نه تنها با دین اسلام بلکه با هیچ دین و فرقه دیگری ندارد؟ علم اقتصاد راهگشای بن‌بست‌های اقتصادی جامعه انسانی است و روابط مالی را از رکورد و تورم خارج می‌کند. فقه در نظام اقتصادی به لحاظ تعریف اشخاص، اموال، تولی و تملک و عقود و ایقاعات که مفاهیم اعتباری هستند وارد قلمرو دانش اقتصاد و روابط مالی می‌شود؛ بنابراین شناخت این تاسیس‌ها در دانش فقه اسلام نقش بنیادین و تعیین‌کننده‌ای در ساماندهی اقتصاد دارد.

۱- تشخیص

شخص انگاری از یک مفهوم واقعی درباره یک شخص واقعی انسان یا از یک مفهوم اعتباری درباره یک شخص حقوقی (اعتباری) اساس نظم‌بخشی فقهی و اقتصادی جامعه اسلامی جهت شناخت طرفین حق و تکلیف است که بر پایه اراده یک معتبر (اعتبارکننده) خواه خدا باشد یا اینکه اراده اکثریت جامعه در قالب قانونگذاری باشد، استوار است و چنین اقدامی یک عمل جوانحی است که توسط فعل نفس یا همان اراده مرید، تحقق پیدا می‌کند اما از آنجایی که چنین مفهومی ناشی از تعلق اراده (فعل نفس) بدان معنی در ذهن انسان تصور می‌شود، مفهوم اعتباری شناخته می‌شود و همواره مفهوم اعتباری متوقف بر اعتبار و اراده مرید است اینکه خداوند چه مفهومی را بر پایه چه مبانی شخص اعتبار می‌کند و او را طرف حق و تکلیف احکام خود قرار می‌دهد بحث دیگری است اما شخص قرار دادن یک اعتبار و اراده کردن از مقام اعتبارکننده صاحب صلاحیت است. فایده چنین اقدامی در نظام حقوقی و اقتصادی، شناخت اشخاص و آمار تعداد آنها و تشکیل شناسنامه‌های چهارگانه: ۱- احوال شخصی ۲- مدارک علمی ۳- مدارک اقتصادی ۴- اوضاع بهداشتی برای شخص حقیقی و شناسنامه‌های دوگانه: احوال شخصی و مدارک اقتصادی برای شخص حقوقی است که جهت مدیریت کلان کشور بسیار حائز اهمیت است. چگونه ممکن است رییس جمهوری آمار اشخاص حقیقی کشور را با توجه به شناسنامه‌های چهارگانه نداشته باشد ولی جهت پرداخت یارانه اقتصادی درباره آماری که به لحاظ شناسنامه‌های آنها به‌ویژه مدارک اقتصادی، اطلاعات دقیقی ندارد تصمیم درستی اتخاذ کند؟ چرا در دولت آقای احمدی‌نژاد و روحانی به همه اشخاص حقیقی یارانه تعلق می‌گیرد در حالی که دهک‌های ثروتمند کشور نیازمند یارانه نیستند؟ چه مقامی مسئول و پاسخگوست؟ و از آن مهم‌تر داشتن آمار اشخاص حقوقی به ویژه اشخاص حقوقی تجاری و اقتصادی است که طرف بانک‌ها و موسسات مالی قرار می‌گیرند و میلیاردها تومان تسهیلات نقدی در روایت می‌کنند و چه بسا حیف و میل‌های زیادی که در اثر بی‌توجهی به اعتبار و آمار آن اشخاص حقوقی پیش خواهد آمد. آیا دانستن آمار اشخاص حقوقی، خواه انتفاعی و اقتصادی یا غیرانتفاعی خیرخواهانه برای برنامه‌ریزی ملی مهم است یا نه؟ و اگر مهم است کشورمان چند شخص حقوقی فعال در کنار اشخاص حقیقی دارد؟ و چگونه اشخاص حقوقی غیرفعال طبق یک برنامه به خاطر فقدان فعالیت و جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده و کلاهبرداری منحل می‌شوند و از آمار ملی اشخاص ایرانی به‌طور کلی حذف می‌شوند؟

۲- تمول

تمول در لغت از ریشه «تَمَوَلَ» به معنای صاحب مال شدن و برای خود اموال نگه داشتن است و جمع مال، اموال است اما در اصطلاح بر پایه میل عرف به جهت رفع نیازهای سگانه عقل، نفس و جسم، اعتبار مال بر مفهوم واقعی مانند زمین، درخت، ماشین، منزل و... یا مفهوم اعتباری مانند دین و کلی فی‌الذمه یا کلی فی‌المعین یا مفهوم عقلی مانند حق سبق، حق خیار، منفعت و... است و هر اندازه میزان نیازهای سگانه بیشتر باشد و اشیاء برطرف‌کننده نیاز کمتر باشد شدت میل و اعتبار عرف بیشتر می‌شود و میزان مالیت و قیمت بالاتر می‌رود. مالیت مفهومی انتزاعی و عقلی است که پس از اعتبار مفهوم مال توسط عقل برداشت می‌شود و